

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن

دکتر محمدباقر سعیدی روشن

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

پاییز ۱۳۹۳

سعیدی روشن، محمدباقر، ۱۳۴۰ -

تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن / محمدباقر
سعیدی روشن. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران:
پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سازمان انتشارات، ۱۳۸۳.
شانزده، ۴۸۰ ص.

ISBN: 978-964-7788-30-4 بهای: ۳۹۵۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
چ. ۲: ۸۵. چ. ۳: ۸۷. چ. ۴: ۸۹. چ. ۵: ۹۱. بها: ۷۹۰۰۰ ریال.
کتابنامه: ص. [۴۳۵] - ۴۵۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.

۱. قرآن - مسائل لغوی. ۲. قرآن - مجاز. ۳. زبان -

جنبه‌های مذهبی. الف. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.

۳ ت ۷۷ س / ۲ / BP۸۲

۲۹۷/۱۵۳

۸۳ - ۲۴۶۰۸ م

کتابخانه ملی ایران



تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن

دکتر محمدباقر سعیدی روشن

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ناشر همکار: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ ششم: پاییز ۱۳۹۳ (چاپ پنجم: بهار ۱۳۹۱)

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - چاپ جعفری

قیمت: ۱۴۹۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه

و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۱-۲۱۱۱۱ (انتشارات ۰۲۱۱۱۳۰۰)،

نمابر: ۰۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱ □ تهران:

خانقلا، بین وصال و قدس، نبش کوی آسکو، پژوهشگاه

حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۶۶۴۰۲۶۰۰ و ۰۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

فهرست مطالب

مقدمه ناشران	۱
پیشگفتار	۳

فصل نخست: مفهوم زبان و زبان‌شناسی

زبان چیست؟	۹
انحای دلالت و نظام ارتباطی نشانه‌ها	۱۲
سطوح گوناگون در زبان گفتاری	۱۴
الف) سطح نظام آوایی	۱۴
ب) سطح نظام دستوری	۱۴
ج) سطح نظام معنایی	۱۵
ارتباط لفظ و معنا	۱۶
مدلولها و معانی تصویری و تصدیقی	۱۹
میزان دلالت لفظ بر معنا	۱۹
کارکردهای زبان	۲۰
توصیف حقایق	۲۱
تبیین علی - معلولی پدیده‌ها	۲۱
فعل گفتاری	۲۱
عاطفی - احساسی	۲۱
امکان چند ساحتی بودن زبان یک متن	۲۲
زبان و واقعیت	۲۳

۲۳	زبان و تفکر
۲۴	زبان، جهان بینی و نظام ارزشی
۲۵	زبانهای گوناگون و ملاک مرزبندی آنها
۲۷	زبان اخباری و زبان انشائی
۲۷	زبان حقیقی و زبان مجازی
۲۹	زبان کنایی
۳۰	زبان رمزی
۳۱	زبان تمثیلی
۳۲	زبان اسطوره‌ای
۳۳	زبان شناسی و قلمرو آن
۳۷	فلسفه زبان
۳۹	از زبان هنجار تا زبان ادبی

فصل دوم: زبان دین، رهیافتهای دیروز غرب

۴۳	زبان دین
۴۳	دین و زبان
۴۴	ارتباط زبان و دین در حوزه‌های گوناگون
۴۴	حوزه تفکر یهود
۴۶	فیلم یهودی
۴۷	قلمرو دیانت مسیح(ع)
۴۸	اورینگن
۵۰	کلمنت اسکندرانی
۵۰	آگوستین
۵۱	ابن میمون اسرائیلی
۵۲	آکویناس
۵۴	یونانوتوره

فصل سوم: عصر جدید، پیدایش بسترهای نو در طرح زبان دین

دوران جدید	۵۵
پایه‌های تفکر قرون وسطا	۵۵
رویکرد ناسوتی	۵۶
برخی زمینه‌های پیدایش عصر جدید	۵۷
مؤلفه‌های تفکر جدید و لوازم آن	۵۸
۱. تعمیم روش معرفتی تجربی	۵۸
شکاکیت	۵۹
تجربه‌گروی فراگیر، ریشه و عامل شکاکیت	۶۰
فلسفه استعلایی کانت و طرد متافیزیک از قلمرو معرفت در بستر تجربه‌گروی	۶۳
از معرفت‌شناسی تجربه‌گرا تا فلسفه علم نسبی‌گرا	۶۵
نسبت میان زبان و معرفت	۶۹
بازتاب‌های کلامی معرفت‌شناسی جدید غرب	۷۳
حکمت اسلامی و رئالیسم معرفتی	۷۵
۲. نگرش انتقادی به گذشته	۸۱
نقد و بررسی	۸۷
نقد دیدگاه زبانی تجربه دینی	۸۹
۳. هرمنوتیک فلسفی و بُعد تفسیری - زبانی دادن به همه فهمها	۹۱
دیلتای، مبارزه با تاریخ‌گروی	۹۳
ابتنای فهمها بر پیش‌آگاهیها	۹۷
انسان، محکوم زندان تاریخ	۹۸
هرمنوتیک مفسر محور گادامر	۱۰۰
مؤلفه‌های فهم هرمنوتیکی گادامر	۱۰۰
هرمنوتیک متن محور پل ریکور	۱۰۵
توسعه در مفهوم متن	۱۰۶
ناکامی هرمنوتیک فلسفی	۱۱۱

فصل چهارم: زبان دین و رهیافتهای معاصر در غرب

۱. پوزیتیویسم و نسبت بی‌معنایی به زبان دین ۱۱۵
- ویتگنشتاین متقدم ۱۱۷
- آیر و معیار تحقیق‌پذیری ۱۱۸
- بن‌بستهای تاریک پوزیتیویسم منطقی ۱۱۹
- جان ویزدم ۱۲۰
- آنتونی فلو ۱۲۱
- کرمبی ۱۲۱
- هیر ۱۲۳
- بازیل میچل ۱۲۳
۲. تحلیل زبانی و کارکردگرایی زبان دینی ۱۲۴
- ویتگنشتاین متأخر و بازیهای زبانی ۱۲۶
- ویژگیها و لوازم دیدگاه ویتگنشتاین ۱۲۸
- نقد دیدگاه ویتگنشتاین ۱۳۲
- فیلیپس ۱۳۴
- فن بورن ۱۳۵
- بریث ویت ۱۳۵
- استیس ۱۳۷
- نظریات روان‌شناختی - جامعه‌شناختی همسو با کارکردگرایی ۱۳۹
- نقد کارکردگرایی ۱۳۹
۳. نمادگرایی در زبان دینی (شناختاری غیرواقع‌گرا) ۱۴۰
- پل تیلیش ۱۴۲
- راندال ۱۴۳
- ارنست کاسیرر ۱۴۵
- رهیافتهای فرق‌گوناگون مسیحی ۱۴۵
- دیدگاه نوآرتدکسی کارل بارت ۱۴۶
- اگزستانسیالیزم بولتمان ۱۴۷

۱۵۲	۴. دیدگاه شناختاری واقع‌گرا
۱۵۲	آلستون و احیای دیدگاه آکویناس
۱۵۴	زبان تصویری مونتگمری وات
۱۵۵	ایان باربور و نگاه جامع به دین
۱۵۶	جان هیک و تحقیق‌پذیری اخروی

فصل پنجم: ریشه‌ها و مبانی فکری - دینی غرب و موقعیت ما

۱۵۹	برخی زمینه‌های دینی - فرهنگی جهان غرب
۱۶۰	۱. فقدان وحی اصلی
۱۶۰	۲. نارسایی مفاهیم دینی برخاسته از متون مختلط
۱۶۱	الف) خدای تجسیم‌ی
۱۶۱	ب) پیامبری وارونه
۱۶۲	ج) وحی در هاله ابهام
۱۶۵	د) اعجاز یا هر کار شگفت
۱۶۷	ه) آلوده سرشتی انسان
۱۶۷	و) منع جستجوی حقیقت
۱۶۸	۳. تعطیل عقل
۱۶۹	۴. تحدید علم
۱۶۹	۵. تهافت‌های درونی متون مقدس
۱۷۰	نتایج این ریشه‌ها
۱۷۰	واکنش‌های دوران جدید
۱۷۱	۱. انفصال و تعارض علم و دین
۱۷۱	۲. تعمیم تجربه‌گرایی
۱۷۱	۳. استنتاجات متافیزیکی
۱۷۱	۴. نهضت اصلاح دینی
۱۷۲	۵. فلسفه‌های گوناگون
۱۷۲	۶. رهاوردها و نتایج

۱۷۵	مبانی لرزان و دعاوی ویران در زبان دین
۱۷۵	۱. دیدگاه بی‌معنایی در زبان دین
۱۷۶	۲. کارکردگرایی در زبان
۱۷۷	۳. نمادانگاری و اسطوره‌پنداری
۱۷۸	۴. واقع‌نگری انتقادی
۱۷۹	زمینه‌های دینی - فکری جهان اسلام
۱۸۰	۱. قرآن کریم، وحی اصلی خدا در میان بشر
۱۸۴	۲. محتوای قرآن
۱۹۶	آثار فکری، فرهنگی قرآن
۱۹۶	۱. رشد فکر دینی نه جمود
۱۹۶	۲. پیشرفت علمی نه رکود
۱۹۷	۳. بالندگی عقلانیت و فلسفه اسلامی
۱۹۸	فقدان زمینه برای واکنشهای منفی
۱۹۸	۱. مکمل بودن و تلازم علم و دین، نه رویارویی
۱۹۹	۲. خدای قیوم، نه رخنه‌پوش نادانیها
۲۰۰	۳. کمال دین، مانع ترمیمهای بشری
۲۰۲	۴. فلسفه خردبنیاد و نگرش جامع به هستی

فصل ششم: زبان قرآن در فراشدِ دانشهای اسلامی

۲۰۵	زبان قرآن، ضرورت‌های درونی
۲۰۶	پیوند دین و زبان در فرهنگ اسلامی
۲۰۷	۱. از علم القرائة تا علوم قرآن
۲۰۹	۲. علوم ادبی اسلامی و زبان‌شناسی
۲۱۰	۳. متون تفسیری مسلمانان و زبان‌شناسی
۲۱۱	۴. کلام و فلسفه اسلامی و زبان‌شناسی
۲۱۳	کلام امامیه
۲۱۵	تفکر معتزلی

۲۱۵	اهل حدیث
۲۱۸	سلفی‌گری جدید و نگاه غیر قابل انعطاف به زبان
۲۱۹	۵. عرفان و تصوّف
۲۲۴	۶. اصول فقه

فصل هفتم: زبان قرآن در ساحت مفردات، کدام نقش؟

۲۲۷	مفاد زبان قرآن
۲۲۹	زبان قرآن در ساحت مفردات
۲۳۰	کیفیت وضع لغات
۲۳۵	فرهنگ قرآن و جامعه عربی
۲۳۸	چند نمونه از اصطلاحات قرآنی
۲۳۸	قرآن
۲۳۸	سوره
۲۳۹	وحی
۲۳۹	لوح محفوظ
۲۳۹	قضا و قدر
۲۴۰	فقه و تفقه
۲۴۱	مؤمن و ایمان
۲۴۱	مريض القلب
۲۴۱	نفاق، منافق
۲۴۲	جهاد فی سبیل الله
۲۴۲	خشوع
۲۴۳	صراط مستقیم
۲۴۳	سبحان و تسبیح
۲۴۳	دنیا، آخرت
۲۴۴	برزخ
۲۴۴	ساعت

۲۴۴	قیامت
۲۴۴	جهنّم
۲۴۵	خلود
۲۴۶	عرف ویژه قرآن
۲۴۷	جهان بینی قرآن
۲۴۸	ارتباط عرف ویژه قرآن با معنای لغوی

فصل هشتم: نقد و تحلیل انظار گوناگون در زبان گزاره‌های قرآن

۲۵۳	زبان قرآن در سطح گزاره‌ها و جملات
۲۵۵	۱. ظاهرگرایی و زبان یک وجهی قرآن
۲۵۶	نقد و بررسی نظریه ظاهرگرایان
۲۵۷	قرآن و ارجاع متشابهات به محکّمات
۲۶۱	دیدگاه اندیشمندان مسلمان
۲۶۵	افعال الهی، دیدگاه معتزلیان و اشعریان
۲۶۶	۲. رمزگرایی باطنیان
۲۶۸	نقد و بررسی
۲۷۰	۳. تأویل‌گرایی متصوّفان
۲۷۳	نقد و بررسی
۲۷۴	۴. طبیعت‌گرایان جدید و تأویل قرآن
۲۷۴	الف) راهبردهای پوزیتیویستی
۲۷۷	ب) عصری‌نگری مفاهیم قرآن
۲۷۷	ج) تحلیلهای ناسوتی از وحی
۲۸۰	نقد و ارزیابی
۲۸۱	د) رهیافتهای ماتریالیستی
۲۸۲	هـ) نمادانگاری زبان دینی و قرآن
۲۸۴	نقد و ارزیابی
۲۸۵	و) نگاه کارکردگرایانه به قصص قرآن!
۲۸۷	نقد و بررسی

فصل نهم: زبان قرآن، زبان نمادها یا حقایق متعالی؟

۱. اصل نخست در هر کلام حقیقت است. ۲۹۳
۲. نشانه‌های حقیقت. ۲۹۶
۳. انجای قرینه. ۲۹۷
۴. قلمرو مجاز در قرآن. ۲۹۹
۵. تمایز حقیقت فلسفی از حقیقت ادبی. ۳۰۲
- یک، تفاوت حقیقت و مجاز ادبی، با حقیقت و مجاز فلسفی. ۳۰۲
- دو، مجاز و استعاره دروغ یا حقیقت ادعایی؟. ۳۰۳
۶. از تمثیل تا نماد. ۳۰۴
۷. حقایق متنازل. ۳۰۸
۸. آیا زبان الهیات ناگزیر زبان نمادین است؟. ۳۱۲
- الف) حکمت اسلامی و معرفت بخشی الهیات. ۳۱۳
- ب) الهیات در چشم انداز وحی قرآنی. ۳۱۴
- ج) مبانی عقلی و نقلی طرد نمادانگاری زبان الهیات. ۳۱۹
- د) نسبت زمان مندی در افعال خدا. ۳۲۵
- ه) تعبیرهای اعتباری در فعل خدا. ۳۲۶
- و) ظاهر و بطن در قرآن. ۳۲۹

فصل دهم: زبان قرآن، تعهد برانگیزی در متن واقع‌گویی

۱. واقع‌گویی قرآن. ۳۳۱
۲. انواع جملات قرآنی. ۳۳۲
۳. پاره‌ای از اوصاف قرآن. ۳۳۳
۴. ارتباط «باید» و «هست». ۳۳۴
۵. جستجوی دو ویژگی توأمان پیام و واقع در برخی آیات. ۳۳۶
- نشانه‌های توحید در پهنه گیتی. ۳۳۷
- توصیف خداوند. ۳۳۸
- توحید افعالی. ۳۳۸

۳۳۸ سنتهای الهی
۳۳۹ کیهان‌شناسی
۳۳۹ مراحل پیدایش و تطورات انسان
۳۴۰ داستان بلعم باعور
۳۴۰ سرنوشت ابولهب
۳۴۱ نجوا و صدقه‌ای که نسخ شد
۳۴۱ قصه ربا
۳۴۲ حوادث و اشراف ساعت
۳۴۳ تجسم و حضور اعمال
۳۴۳ شهادت اعضا و جوارح
۳۴۳ صحنه رستاخیز و سرنوشت نیکان و بدان
۳۴۴ استنتاج
۳۴۶ ۶. عصری‌نگری و سلب واقعیت از قرآن
۳۴۷ نقد و بررسی
۳۴۸ ۷. ذاتی و عرضی کردن مفاهیم دین و درگذشتن از صورت متن!
۳۴۹ نقد و ارزیابی
۳۵۵ ۸. نگاه پدیدارشناسانه به متن دین!
۳۵۶ نقد و بررسی
۳۵۷ نتیجه‌گیری
۳۵۹ فصل یازدهم: روش کشف زبان قرآن
۳۵۹ ۱. روش کشف زبان قرآن
۳۵۹ ۲. شناخت عقلی زبان از راه شناخت گوینده
۳۶۱ ۳. شناخت زبان از راه شناخت هدف متن
۳۶۱ ۴. شناخت زبان از راه ویژگیهای متن
۳۶۳ ۵. شناخت از راه گستره مخاطبان
۳۶۴ ۶. شناخت از طریق محتوای پیام متن

۳۶۵ شناخت به روش تجربی
۳۶۶ نقد و ارزیابی
۳۶۷ شناخت پدیدارشناسانه!
۳۶۸ نقد و بررسی

فصل دوازدهم: زبان قرآن، زبان ویژه هدایت

۳۷۱ گزینش نویسنده در زبان قرآن
۳۷۱ ویژگیهای زبان شناختی قرآن
۳۷۲ ۱. انتفاع همگانی
۳۷۳ ۲. سبک قرآن، آمیختگی موضوعات
۳۷۵ سوره اعلی در یک نگاه:
۳۷۶ ۳. زبان ذواضلاع
۳۷۹ ۴. زبان ذو مراتب
۳۸۱ ۵. معارف فراعرفی
۳۸۲ ۶. مراتب عالی هدایت و عرف ویژه قرآن
۳۸۴ ۷. جهانی بودن و جاودانگی قرآن
۳۸۶ زبان هدایت

فصل سیزدهم: معناشناسی و هرمنوتیک فهم قرآن

۳۹۰ ۱. مبانی یا زیرساختهای فکری در فهم قرآن
۳۹۱ رهاوردهای هرمنوتیکی این مبانی
۳۹۴ مبانی متن شناختی - زبان شناختی قرآن
۳۹۵ تعیین معنایی قرآن
۳۹۶ مبانی انسان شناختی و پیامدهای آن
۴۰۱ ۲. امکان فهم قرآن
۴۰۴ ۳. مکانیسم فهم متن
۴۰۵ گام نخست، معناشناسی واژگانی

۴۰۵	گام دوم، معناشناسی گزاره‌ای
۴۰۷	گام سوم، معناشناسی متناظر و فراگیر متن
۴۰۸	استمداد از قرائن
۴۰۸	قرینه‌های درون متنی
۴۱۰	الف) سیاق و آهنگ سخن
۴۱۱	ب) تلائم مضمون و معنا
۴۱۴	ج) محکمت و اصول روشنگر
۴۱۴	د) تحدید قلمرو معنا
۴۱۵	قرینه‌های برون متنی نقلی
۴۱۸	قرینه عقلی
۴۲۰	۴. معیارها و منطق فهم قرآن
۴۲۱	یک، قواعد عقلائی حاکم بر زبان
۴۲۴	دو، همخوانی و سازواری درونی متن
۴۲۶	سه، هماهنگی و تطابق با عقل برهانی
۴۲۸	چهار، پاسخگویی به نیازهای حیاتی انسان
۴۲۹	پنج، تعیین موضع و تفسیر دین باورانه و نه دین سوزانه از متن
۴۳۵	کتابنامه
۴۵۴	نمایه اشخاص
۴۶۶	نمایه آیات
۴۸۰	نمایه روایات

مقدمه ناشران

نیاز گسترده جوامع علمی حوزوی و دانشگاهی به تحقیقات و متون متقن در زمینه‌های نوپدید در قلمرو دین‌پژوهی و علوم انسانی، حقیقتی است انکار ناپذیر. با این وصف، امکانات محدود مراکز علمی در ایفای وظیفه پاسخگویی بدین نیاز، ایجاب می‌کند داشته‌های موجود فکری و مادی مراکز علمی - پژوهشی با همکاری در مسیر اهداف مشترک، به خدمت گرفته شود تا افزون بر رُقای کیفی و کمی آثار پژوهشی، از تکرار و موازی‌کاری پیشگیری شود.

از این رو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در راستای برآمدن اهداف یاد شده نخستین کار مشترک خود را با انتشار کتاب تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن آغاز کردند. این کتاب به عنوان منبع علمی برای دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری رشته الهیات و دیگر علاقه‌مندان حوزه تفسیر و قرآن‌پژوهی تدوین یافته است. امید آنکه مورد عنایت استادان و صاحب‌نظران قرار گیرد و پیشنهادهای نکته‌سنجانه آنان دست‌اندرکاران این دو نهاد علمی را در تکمیل و تعمیق این اثر یاری رساند.

برخود فرض می‌دانیم از اعضای محترم شورای علمی گروه‌های قرآن‌پژوهی دو مرکز و عزیزانی که در تکمیل مباحث و آماده‌سازی این اثر سهیم بوده‌اند، به ویژه از تالشهای مؤلف فاضل، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدباقر سعیدی روشن تقدیر و تشکر نماییم.

هَذَا بِلَاغٍ لِلنَّاسِ (ابراهیم، ۵۲)

پیشگفتار

زبان در مفهوم استعداد نطق و رسانایی معانی پنهان و حقایق دور از دسترس با جایگزینی سخن و کلام، ویژه انسان است. این عنصر در کنار توانمندیهای دیگری چون قوه درک حقایق و رفتار ارادی، آدمی را مخاطب وحی تشریحی خداوند قرار می دهد. دین و حیانی مجموعه ای از گزاره ها و آموزه های الهی است که در راستای اکمال آگاهی بشر در باب چیستی جهان و انسان و بهینه سازی مناسبات درونی و پیرامونی وی در جهت بسط و تعالی فرود آمده است.

تأمل در زبان متون دینی و چگونگی فهم گزاره های گوناگون این متون را می توان از مشغله های دیرین دین ورزان دانست. اما در روزگار جدید به ویژه پس از رنسانس و فتح باب نگرشهای انتقادی به متون دینی یهودی - مسیحی این موضوع اهمیتی صد چندان یافت. دشواریهای درونی متون عهدی، و باورهای دینی نشأت یافته از این متون، و تعمیم روش معرفت شناختی تجربی و پیدایش فلسفه های روییده از آنها، همه، چالشهایی جدی فراروی زبان دین و فهم آن در غرب آفرید. دیدگاه های: سلب معنا از گزاره های دینی، کارکردگرایی محض، نمادانگاری و واقع نگری انتقادی از زبان دین، نادیده گرفتن قصد مؤلف و محتوای متن و وابسته نمودن معنا به ذهنیت خواننده، ارمغان این جغرافیای فکری و از دستاوردهای این رویکرد است.

اکنون اساسی ترین پرسش آن است که آیا ضرورتاً همین رهیافتهای زبان دینی و

۴ تحلیل زبان قرآن

هرمنوتیکی، تنها گزینه‌های ممکن در پیش روی ما مسلمانان است و در نتیجه بر قرآن نیز تحمیل می‌گردد؟ یا چنین الزامی وجود ندارد؟

تأمل در زبان قرآن هرچند امروز به اقتضای طرح مسایل نوپدید بیرونی ضرورتی مضاعف یافته، لکن این حقیقت را نمی‌توان نادیده انگاشت که ضرورت‌های داخلی از دیرباز منشأ مباحثات جدی مسلمانان در این زمینه بوده است. طرح حقایق متافیزیکی در باب آغاز و پایان هستی، صفات و افعال خدا، چگونگی آفرینش، گزاره‌های توصیفی از پدیده‌های عالم غیب و شهود، فرشته و شیطان، پیدایش نظام کیهانی، ابر و باد و باران، حرکت کوه‌ها، اشراط ساعت، پایان عالم، برزخ، حساب، کتاب، میزان، بهشت، جهنم، پاداش، کیفر، خلود، داستان امتها و پیامبران و مانند اینها از یک سو، توجه به مفاهیم ذوابعاد و سبک آمیخته و وجود تمثیل و کنایه و تشبیه، محکم و متشابه، تفسیر و تأویل، ظهر و بطن و حروف رمزی در سوره‌های قرآن از دگر سو؛ باعث کاوشهای ژرف اندیشمندان مسلمان در منطق و فلسفه اسلامی، کلام و عرفان، علوم ادبی، قرآنی و تفسیر در باب زبان قرآن و هرمنوتیک فهم آن بوده است.

اما این همه برای مسلمانان نه از سر ناچاری و گریز از بن بستهای فکری، بلکه به منظور تبیین و تدوین راهکارهای استوار و خلل‌ناپذیر در فهم حقایق قرآنی بوده است. به سخن دیگر، با توجه به تمایزهای بنیادین پایه‌های اندیشه دینی - قرآنی و مبانی فکری مسلمانان با مبانی فکری - دینی غرب، همسان‌انگاری روشها، و رهیافتهای معرفت دینی و زبان دین این دو جریان فکری، دور از واقعیت است. البته این سخن هرگز به معنای چشم‌پوشی از چالشهای مطرح در پیش روی معرفت دینی در عصر حاضر نیست، بلکه ایده ما آن است که مسلمانان باید براساس مبانی و زیرساختهای دینی - کلامی خود و با تکیه بر میراث علمی ارزشمند گذشته و بهره‌گیری از تجربه‌ها و ابزارهای مناسب جدید به تحلیل موضوعات دینی خود پردازند. این اثر با چنین نگاهی به موضوع زبان قرآن نگرسته است.

به سخن دیگر، برخی از پرسشهای اصلی در زبان قرآن که ضرورت این پژوهش پاسخگویی به آن پرسشها و گره‌گشایی آنها از مبانی فهم قرآن به شمار می‌آید به قرار ذیل است:

۱. اصلی‌ترین پرسش آن است که زبان قرآن چیست؟ خداوند در مخاطب تشریحی قرآن و ابلاغ پیام هدایت انسان از چه سبک و شیوه‌ای استفاده کرده است؟ آیا قرآن در قالب زبان تخصصی، علمی، فلسفی و... بیان شده و یا به زبان متعارف و معمول بشر، اساساً دارای یک زبان است یا آنکه به تناسب تنوع و فراوانی موضوعات طبیعی و ماورای طبیعی از یک سو و سطوح و لایه‌های تودرتوی معانی جاویدانش از دیگر سو، دارای زبانهای ترکیبی و متعدد است؟

۲. پرسش دیگر آنکه آیا زبان قرآن در ساحات متنوع گزاره‌ها و آموزه‌ها، توصیف جهان و انسان، آغاز و فرجام هستی، طبیعت و ماورای طبیعت و ذکر اجزای ریز و درشت پدیده‌های آسمانی و زمینی و تبیین علی‌رخدادهای و سنتهای الهی در سرنوشت انسان و شرح حوادث امتهای، امر و نهی و دعوت و توصیه و جز اینها زبان واقع‌گویانه و معرفت‌بخش است و یا صرفاً زبانی کارکردگرایانه و احساس‌برانگیز یا نمادین و غیره؟

۳. این پرسش نیز در جای خود بسیار مهم است که آیا زبان قرآن قاعده‌مند است یا هنجارشکن؟ به بیان دیگر، زبان قرآن را هرچه بدانیم، تبیین این موضوع کلید حل بسیاری از معضلات در پیش روی فهم قرآن است که معلوم شود آیا زبان قرآن و ارتباط لفظ و معنا و کشف معانی در جملات قرآن به یک سلسله قواعد منطق محاوره عقلانی و احیاناً قواعد ویژه خود وابسته است و از این لحاظ زبانی فیصله‌بخش است، نه جدلی‌الطرفین، یا آنکه این زبان شالوده‌شکن و قاعده‌گریز است؟ پژوهش حاضر می‌کوشد تا پرسشهایی اینچنین و موضوعات مرتبط به آنها را پاسخ دهد.

اهتمام پژوهنده بر آن بوده است که پس از تبیین مفهوم زبان و فلسفه و کارکردهای آن، با ورود به حوزه زبان دین، چشم‌اندازی نسبتاً گویا از رهیافتهای جدید زبان دینی در غرب و زمینه‌های بروز و ظهور آنها را روشن سازد، تا جست‌وجوهای وی در زبان قرآن ناظر به مسائل نوپدید و چالشهای این حوزه ملاحظه گردد؛ همچنان که جایگاه زبان قرآن در بستر فرهنگ اسلامی و فراشد دانش مسلمین نیز از نقاط مورد اهتمام آن است. التفات به تمایز و تفارق مبانی و مبادی جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، متن‌شناختی و زبان‌شناختی و بسترها و زمینه‌های اندیشه دینی غرب

۶ تحلیل زبان قرآن

که منشأ رویکردهای جدید زبان دینی و فهم متون آن است، با مبانی، زیر ساختها و باورهای فکری مربوط به زبان قرآن و ساز و کار فهم آن نیز، عطف توجه این نوشتار است؛ همچنان که می‌توان ورود به عرصه مصادیق آیات و جستجوی رهیافت زبان قرآن در متن آیات و پرهیز از کلی‌گویی، بدون نظر داشت نمودهای گونه‌گون متن را از ویژگیهای مورد نظر این پژوهش دانست.

با توجه به این رویکرد، فصل نخست تمهیدی است بر مسئله زبان، که مفهوم زبان، فلسفه زبان، و کارکردها و نقشهای گونه‌گون زبان به‌ویژه زبان هنری - ادبی را از زبان متعارف و علمی، باز می‌نماید.

فصل دوم، یعنی زبان دین، گامی نزدیک‌تر به موضوع اصلی و مدخل آن تلقی می‌شود.

مطالعات پرگستره و دشوار فصل سوم به واقع چشم‌اندازی بر مهم‌ترین عناصر فکری سه قرن اخیر غرب، به‌ویژه معرفت‌شناسی تجربی، فلسفه تحلیلی و هرمنوتیک فلسفی، و چالشهایی است که این عناصر در فراروی معرفت دینی و زبان دین قرار می‌دهد.

فصل چهارم گزارشی است از چهار طیف از رهیافتهای زبان دینی معاصر غرب که در عین حال بر معضلهای بنایی یا مبنایی هر یک نیز فی‌الجمله اشارتی گویا رفته است.

در فصل پنجم کوشش شده است تا ریشه‌ها، زمینه‌ها و علل بروز نظریات زبان دینی جدید غرب واکاوی شود، و این موضوع از جهات گوناگون مورد بررسی واقع گردد که آیا همان ریشه‌ها و زمینه‌های دینی - فکری بر مسلمانان نیز حاکم است و ناگزیر همان گزینه‌ها نیز در پیش روی آنان قرار دارد، یا آنکه چنین نیست؟

فصل ششم که در حقیقت به طور مستقیم به حوزه زبان قرآن وارد می‌شود، گذری بر مآخذ و میراث گرانسنگ دانشهای اسلامی و توجه اندیشمندان مسلمان بر مسئله زبان قرآن است که بی‌گمان زاد و بود بسیار مغتنمی در اختیار پژوهشگر امروز قرار داده، کوشش و همت والای قرآن‌باوران دیروز مسلمان را نشان می‌دهد.

فصل هفتم که نگاهی دقیق‌تر بر ساحت مفردات قرآن انداخته، به تحلیل این پرسش اساسی می‌پردازد که: آیا زبان قرآن ناظر بر معانی ویژه و وضع عرفی خاص است، یا

ناظر به همان معنای عام لغوی - عرفی؟ و یا آنکه نوعی تفصیل در این زمینه مطرح خواهد بود؟

در فصل هشتم نیز دیدگاهها و انظار گوناگون در زبان‌گزاره‌های قرآن تحلیل و ارزیابی می‌شود.

قرآن زبان نمادها یا حقایق متعالی؟ عنوان فصل نهم این نوشتار است که با تفکیک مسئله بسیار مهم حقیقت و مجاز عرفی - لغوی، با حقیقت و مجاز فلسفی، به این موضوع می‌پردازد که تمثیل، کنایه، استعاره و گونه‌های مجاز ادبی در قرآن، هرگز در مفهوم، نمادانگاری حقایق متعالی قرآن نمی‌شود. به سخن دیگر مبانی جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی اسلامی، در بُعد وجودشناختی و تعبیر زبانی، خود را ناگزیر نمی‌بیند که زبان قرآن را در قلمرو مفاهیم متافیزیکی و فراطبیعی، صرفاً شبیحی از حقیقت بداند، نه خود حقیقت.

آیا زبان قرآن تنها اثر کارکردی و تعهدبرانگیزی دارد یا آنکه گزاره‌ها و آموزه‌های این متن در قلمرو موضوعات گوناگون، تمامی برخاسته از واقعیت است و حکایت از حقیقت دارد؟ فصل دهم پاسخی است به این پرسش. رویکرد نویسنده بر آن است که جمله‌های قرآنی در عین برخورداری از پیام فرا تاریخی و سازنده برای انسان، همه ارجاع به حقیقت دارد.

در فصل یازدهم راه‌های گوناگون پیشادینی و درون دینی که زمینه‌های کشف زبان قرآن را فراهم می‌نمایند بررسی شده است.

فصل دوازدهم دیدگاه نویسنده را در زبان قرآن می‌نماید. این دیدگاه در پرتو مطالعه ویژگیهای زبان قرآن، بر آن است که زبان قرآن را اگر نامی باید، آن زبان همان زبان هدایت و دعوت به کمال است که فراگیر عموم مردم و خواص از اندیشمندان و متوجه تمامی مراتب حرکت معنوی انسانها (ناس)، اعم از دورافتادگان طریق سعادت (کافران، معاندان، مشرکان، منافقان)، تا مؤمنان متوسط و کاملان واصل و اولیاءالله است و برای هریک از این طبقات، به فراخور، پیامی ویژه دارد.

آخرین فصل این نوشتار را معناشناسی و هرمنوتیک فهم قرآن تشکیل می‌دهد. در این فصل با استناد به اصول و باورهای پایه، تعیین معنایی و هدف متن قرآنی، امکان فهم

عینی از محتوای آن مورد تأکید واقع شده، روشها و معیارهای دستیابی به معانی و مقاصد گوینده وحی را در پرتو فلسفه نزول قرآن و نظام ارزیابی منطقی بررسی می‌کند. لازم است اشاره شود که ملاک نویسنده در گزینش و پردازش مطالب، میزان ارتباط آنها با موضوع پژوهش بوده است. این ارتباط یا بالحاظ فراهم سازی مقدمات لازم در جهت پرداخت مناسب موضوع، یا در شکل ارتباط مستقیم با خود موضوع و یا آنکه از منظر ثمرات و نتایج موضوع نگریسته شده است. با این همه راقم این سطور بر آن است که این تلاش سرآغاز حرکت در مسیری ناشناخته و طولانی است و همت‌های والایی را می‌طلبد تا استوار آید. از این رو تذکارهای عالمانه ارباب معرفت، خدمتی در ساحت گرامی نامه خداوند و منت بر نویسنده خواهد بود. و سرانجام سپاس خویش را نثار همه اساتید محترم، دوستان ارجمند و همه گرامیانی می‌دارم که به نحوی در پیدایش و پیرایش این اثر سهیم بوده‌اند، توفیقات همه آن عزیزان با خدای منان باد.

محمدباقر سعیدی‌روشن

قم، هشتم خرداد ۱۳۸۱

شانزدهم ربیع المولود ۱۴۲۳

فصل نخست

مفهوم زبان و زبان‌شناسی

این فصل ترسیم چشم‌اندازی، هرچند اجمالی، از مفهوم زبان و زبان‌شناسی، فلسفه زبان و شیوه ارتباط لفظ و معنا و چگونگی رسانایی گفتار زبانی و بیان قاعده‌مندی مفاهیم عقلانی و زبان هنجار را مورد نظر دارد.

زبان چیست؟

زبان گذشته از مفهوم لغوی، یعنی اندام ماهیچه‌ای و متحرک داخل دهان و مهم‌ترین ابزار گویایی^۱ و نیز گفتار مخصوص یک ملت یا جماعت مثل زبان فارسی یا انگلیسی،^۲ یکی از جنبه‌های اسرارآمیز وجود انسان است که با توجه به پیچیدگی و گستردگی آن پس از قرن‌ها کاوش هنوز به طور بایسته شناخته نشده است.

البته، این مطلب کانون همه جستجوهاست که: زبان یکی از تواناییهای ذهن انسان برای ایجاد ارتباط و انتقال پیام است. تکلم و گفتار، نمود آوایی و ظهور خارجی این توانایی است.^۳ ما حتی هنگامی که در خلوت خویش در حال اندیشیدن هستیم و با کسی سخن نمی‌گوییم، باز هم از توانایی زبان برخورداریم و از آن بهره می‌گیریم؛ بی‌آنکه گفتاری در میان باشد. کسانی که در اثر سوانح و حوادث و یا به طور مادرزاد از تکلم محروم‌اند، از نعمت زبان بی‌بهره نیستند؛ جز اینکه به هنگام استفاده از آن به جای علائم آوایی یا گفتار، از نموده‌های حرکتی (حرکت دست و لب) کمک می‌گیرند.

واژه "لسان" نوبتی چند در قرآن کریم کاربرد یافته است. ملاحظه کاربردهای قرآنی

۱. ر.ک: مشیری، مهشید، نخستین فرهنگ الفبایی قیاسی زبان فارسی، ص ۵۳۴.

۲. ر.ک: دهخدا، علی‌اکبر، لغت نامه دهخدا، ص ۱۱۱۳۰.

۳. ر.ک: باطنی، محمدرضا، زبان و تفکر، ص ۱۱۲.

این کلمه نشان می‌دهد گاه قرآن این واژه را در مفهوم "لغت" استعمال کرده، چنانکه در آیات ذیل بدین معنا آمده است:

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ؛^۱

و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم.»^۲

«وَهَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا؛^۳

و این کتابی است که هم‌آهنگ (با کتاب موسی) به زبان عربی.»

«يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَ هَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ؛^۴

آنان می‌گویند: کسی به او می‌آموزد؛ زبان آن کس که [این قرآن را] به او نسبت می‌دهند گنگ است و این [قرآن] به زبان عربی روشن است.»

«نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ * بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ؛^۵

روح‌الامین آن را به زبان عربی روشن بر قلب تو فرود آورده، تا از بیم‌دهندگان باشی.»

از قبیل مفاد همین آیات، آیه ۹۸ سوره مریم است:^۶

«فَإِنَّمَا يَسْتَرْثَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا؛

همانا این قرآن را به زبان تو آسان ساختم تا پرهیزگاران را بدان مژده دهی و ستیزه‌جویان را بیم.»

مفهوم دیگری که می‌توان برای کلمه "لسان" در قرآن استفاده کرد، "تکلم و گفتار" است.

«وَ أَخِي هَارُونَ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْتُهُ مَعِيَ رِدْءًا؛^۷

و برادرم از من به زبان - سخن‌گفتن - شیواتر است پس او را با من به مددکاری بفرست.»

«لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ؛^۸

۱. ابراهیم، ۴.

۲. ر.ک: طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۲۷۳؛ زمخشری، الکشاف ج ۲، ص ۵۳۹؛ طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۱۳، ص ۱۵.

۳. احقاف، ۱۲.

۴. نحل، ۱۰۳.

۵. شعراء ۱۹۳-۱۹۵، روم، ۲۲.

۶. ر.ک: الکشاف، ج ۳، ص ۴۸؛ المیزان ج ۱۶ در تفسیر آیه یاد شده و نیز: دخان، ۵۸.

۷. قصص، ۳۴.

۸. مائده، ۷۸، فتح، ۱۱ و نور، ۲۴.

کسانی از فرزندان اسرائیل که کافر شدند، بر زبان داوود و عیسی بن مریم لعنت شدند».

مفهوم سومی که از کاربرد قرآنی واژه لسان استفاده می‌شود "ابزار یا قوه تکلم و اظهار ما فی الضمیر" است.

«وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ»^۱

و آیا برای او زبانی نساخته‌ایم که بدان سخن می‌گوید - و دو لب - که در گفتن و خوردن و آشامیدن او را یاری می‌رساند؟».

گویا واژه «بیان» در عبارت شریف "عَلَّمَهُ الْبَيَانَ"^۲ نیز همین مفاد را می‌رساند. علامه طباطبایی در شرح این آیه می‌نویسد: "بیان" آشکار نمودن یک چیز است و غرض از آن همان اظهار ما فی الضمیر است و این از شگفت‌ترین نعمتها و تعلیم آن به انسان از عنایتهای ویژه خدا به آدمی است.

پس سخن و بیان، تنها به کارگیری ریه و حنجره و ایجاد صدا نیست، بلکه انسان با الهام الهی از توالی اصوات و آواها حرف و از ترکیب حروف علایمی برای رساندن یک مفهوم می‌سازد که اشیای غایب از ادراک مخاطب را نمودار می‌سازد و به‌گوینده توان می‌دهد که حقایق ریز و درشت و نهان و عیان گذشته و آینده عالم را ترسیم نماید، همان‌گونه که می‌تواند منشا احضار معانی نامحسوس شود که انسان تنها با فکر خود بدان می‌رسد.

سپس علامه طباطبایی با تحلیلی فلسفی - جامعه‌شناختی به این موضوع می‌پردازد که مدنیت اجتماعی و پیشرفت جامعه بشری بدون توانمندی انسان بر وضع سخن و گشایش باب تفهیم و تفهم میسر نمی‌گردید، و اگر این استعداد ویژه برای وی وجود نمی‌داشت انسان تفاوتی با سایر موجودات نداشت.

سرانجام علامه به ارتباط لفظ و معنا اشاره می‌نماید که یک امر اعتباری و لازمه حیات اجتماعی انسان است که الفاظ را علامت و جانشین معانی قرار می‌دهد؛ آن‌سان که وقتی لفظی را برای مخاطب بیان کرد، گویی معنا را بر او عرضه کرده است. سپس در مرتبه دیگر آدمی «خط» را علامت و نشانه برای الفاظ قرار می‌دهد، پس «خط» نیز

۲. رحمان، ج ۴.

۱. بلد، ۹.

مکمل همان هدف "کلام" و نمودار آن است، همچنان که «کلام» نمودار معناست.^۱ برابر آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که استعداد زبان و گفتار از مختصات وجود انسان و تابعی از وجود اوست نه پدیده‌ای مستقل چون آب، هوا و سنگ. همچنان که می‌توان گفت زبان و گفتار امری خدادادی است که ریشه در طبیعت انسان دارد و هر انسان سالمی به طور خودکار این توانایی پیشداده را در قالب نشانه‌های آوایی معین - به تناسب جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند - می‌ریزد، به خلاف خط و نوشتار که نیازمند اکتساب و آموزش است. به همین دلیل برابر یکی از تعاریف که از سوسور زبان‌شناس معروف نقل شده، زبان مجموعه (ساختار، سیستم = structure) به هم پیوسته‌ای از نشانه‌هاست که اجزای آن به یکدیگر وابستگی تام دارند و ارزش هر واحدی تابع وضع ترکیبی آن است.^۲

انحای دلالت و نظام ارتباطی نشانه‌ها

دانستیم توانایی ارائه معنا و گفتار، از ویژگیهای هستی آدمی است. جنبه دیگری از حیات بالفطره اجتماعی انسان نیز خود روی دیگر سکه زبان و گفتار را در میان می‌آورد. اساسی‌ترین عنصر زندگی اجتماعی بشر ارتباط با دیگران است. از آنجا که ارتباط مستقیم و بی‌واسطه ذهنها با یکدیگر میسر نیست، و انسان برای انتقال داشته‌های ذهنی خود یا گزارش اشیای خارجی نمی‌تواند به طور مستقیم خود آنها را به مخاطب ارائه نماید ناگزیر برای تأمین این منظور، مهمترین و مناسب‌ترین وسیله تفهیم و تفاهم بهره‌گیری از نشانه‌های زبانی (الفاظ) است، هرچند بشر از وسایل دیگری چون اشاره و علامتها نیز بهره می‌برد.^۳

نشانه یا دال، آن چیزی است که بر چیز دیگر دلالت می‌کند. برای مثال، اگر بر دیوار کوچه‌ای این علامت «←» را ببینیم، در می‌یابیم مقصود آن است که: از این راه باید رفت. فرایند این دلالت یعنی انتقال از نشانه به معنای خاص، به خودی خود صورت نمی‌گیرد، بلکه ناشی از یک قرارداد پیشین است. با این حال، رابطه میان نشانه و معنای

۱. المیزان، ج ۱۹، ص ۹۵-۹۶ با تلخیص و گزینش.

۲. نقل از: نجفی، ابوالحسن، مبانی زبان‌شناسی، ص ۸.

۳. همان، ص ۲.

آن همیشه بر حسب وضع و قرارداد نیست. به عنوان مثال هرکس از دیدن تصویر یک پرنده به مفهوم آن پی می‌برد و یا از دیدن دود به وجود آتش و از دیدن جای پا به وجود رونده آن و از صدای زنگ وجود کسی را پشت در احساس می‌کند. بر همین اساس، در منطق کلاسیک با تحلیل نوع ملازمه در هریک از این دلالتها، آنها را سه گونه می‌دانند. دلالت ذاتی یا عقلی، که هر انسان خردمندی عقل خویش را در کار آورد آن را درک می‌کند، مانند دلالت اثر بر مؤثر (دود بر آتش) برابر نگرش قرآن، چنانکه اقتضای برهان عقلی نیز این است؛ تمام پدیده‌های عالم هستی آیت خداوند و نشان صفات و افعال اویند. دلالت طبیعی، مانند دلالت آخ بر درد، و دلالت وضعی مانند، دلالت لفظ درخت بر معنای حقیقت آن، دلالت وضعی نیز به دو نوع لفظی، مانند لفظ انسان بر معنای آن و غیر لفظی مانند تابلوها، خط کشیها و تصویرها، تقسیم شده است.^۱ همچنین می‌توان افزود که نشانه‌ها و علائم وضعی، برخی عمومی و براساس معیارها و قراردادهای عموم عقلاست و برخی فردی و شخصی و براساس بصیرتهای باطنی یا تخیلات ذهنی برخی اشخاص است، مانند زبان رمزی متصوفان.

بنابراین اگرچه دال همیشه یک واژه نیست، اما زبان رایج در میان عموم عقلا بیش از هرچیز از نشانگان آوایی و واژگانی بهره می‌گیرد و در خور کاوش و تأمل ویژه است. در هر نشانه سه عنصر وجود دارد: دال یا نشانه، مدلول یا معنا و رابطه میان آن دو که دلالت نام دارد. نزد پاره‌ای از منطقیان برای رسیدن از نشانه به شیء، یا عین خارجی، باید از هر دو مرحله (دلالت) گذشت: دلالت دال بر مدلول و دلالت مدلول بر شیء خارجی. خواجه به صراحت می‌نویسد: «و اصناف دلالت به حسب استعمال سه است؛ اول، دلالت صور ذهنی بر اعیان خارجی و آن به طبع است؛ دوم، دلالت الفاظ و عبارات لفظی بر صور ذهنی و به توسط صور ذهنی بر اعیان خارجی به وضع و سیوم، دلالت رقوم کتابت بر الفاظ و به توسط آن بر صور ذهنی و به توسط بر اعیان خارجی هم به وضع».^۲

۱. مظفر، محمدرضا، المنطق، ص ۳۶.

۲. طوسی، خواجه نصیر، اساس الاقتباس، تصحیح مدرس رضوی، ص ۶۳.

سطوح گوناگون در زبان گفتاری

زبان در نمود گفتاری خود دارای سطوحی است که اشارهٔ مختصر به آن بی‌ارتباط با مباحث آینده نیست.

الف) **سطح نظام آوایی**؛ صداها و قواعد ترکیب آنها که ساختهای آوایی را می‌سازند نخستین سطح از ظهور گفتاری زبان است که واج‌شناسی نام دارد. کلمهٔ «بار» از حروف «ب»، «ا» و «ر» تشکیل شده است که به هریک از صداها این کلمه، را به اعتبار تلفظ، واج می‌گویند، همان‌طور که به اعتبار کتابت حرف می‌نامند.

ب) **سطح نظام دستوری**؛ نشانه‌های زبان و قواعد ترکیب آنها به منظور ساختن کلمات، عبارات و جملات، سطح دیگری از نمود گفتاری زبان است. این سطح خود دو بخش صرف و نحو دارد، که در بخش صرف نشانه‌های ساده مانند: باغ، بان (باغبان) و ترکیب تک‌واژه‌ها تا حد کلمات مشتق مثل «باغبان» و کلمات مرکب مثل «کتاب‌خانه» یاد می‌شود. در بخش نحو نیز شیوهٔ ترکیب کلمات تا سطح گروه و انواع آن، مانند گروه اسمی «این کتاب آبی رنگ»، فعلی «گفته بودم...» و حرف اضافه‌ای «در انتهای راه» و جمله‌ها و انواع آن چون ساده، مرکب، شرطی، امری و بیانی مورد توجه قرار می‌گیرد. **جملهٔ مستقل**؛ بزرگ‌ترین واحد زبانی است که از واحدهای کوچک‌تر ساخته شده است و خود جزئی از یک واحد بزرگ‌تر نیست.

جمله؛ سخنی است تشکیل یافته از یک یا چند گروه که به دو بخش نهاد و گزاره تقسیم می‌شود و پس از جملهٔ مستقل بزرگ‌ترین واحد زبان است.

گروه؛ پس از جمله، بزرگ‌ترین واحد زبان است که از یک یا چند واژه ساخته می‌شود و در ساختمان جمله به کار می‌رود؛ مثل: اجرام، اجرام آسمانی، مطالعهٔ اجرام آسمانی. **واژه**؛ یکی از واحدهای زبانی است که از یک یا چند تک‌واژ ساخته می‌شود و در ساختمان واحد بزرگ‌تر یعنی گروه به کار می‌رود. واژه می‌تواند مفهومی مستقل داشته باشد، مثل «میز»، یا مفهومی غیر مستقل داشته باشد، مثل «در، که».

تک‌واژ؛ یکی از واحدهای زبان است که از یک یا چند واج ساخته می‌شود، تک‌واژ گاهی معنا و کاربرد مستقل دارد؛ مثل «میز». در این صورت، آن را تک‌واژ آزاد می‌نامند. گاهی نیز کاربرد و معنای مستقل ندارد و در ساختمان واژه‌های دیگری به کار می‌رود که